

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

## ادامه بررسی مصحف فاطمه(س)

عرض کردیم که بر حسب روایات معتبري که وجود دارد، کتاب شریف مصحف فاطمه(س) هیچ ارتباطي به قرآن کریم ندارد؛ و آنچه که بعضي از اهل سنت را به اشتباه انداخته، تعبیر مصحف هست که فکر کردند مقصود ما این است که فاطمه(س) قرآني دارد و شیعه از آن قرآن تبعیت می کند که بر خلاف قرآن موجود امروزي است. همچنین عرض کردیم تعبیر « مصحف فيه مثل قرآن کم هذا ثلاثة مرآت » منظور این است که امام(ع) این عبارت را سه مرتبه بیان فرمودند؛ و مطلبي که در اذهان شایع است مبني بر آن که مصحف فاطمه سه برابر قرآن موجود است، صحیح نیست. کتابي هست به نام **الصحيح من الكافي** که در سه جلد چند سال پیش منتشر شد؛ در آن کتاب هم يکي از اشکالاتي که بزرگان می کردند، این بود که برخي از احادیث صحیحه را نیاورده است؛ در حالی که در مقدمه آن گفته بود که منحدیثي که از نظر سند و دلالت، هر دو، صحیح است را می خواهم بیاورم؛ با این حال، برخي از احادیثي که به عنوان صحیح آورده شده است را مرحوم مجلسي در کتاب **مرآت العقول** به عنوان حدیث ضعیف یاد می کند؛ دلیلش این است که مرحوم مجلسي در **مرآت العقول** بر خلاف کتاب **بحار** در مقام جمع آوري احادیث نیست و به اسناد احادیث دقت فراوان داشته و کوچک ترین جهتي که در يك راوي وجود داشت را مد نظر قرار داده و حدیث را از اعتبار ساقط کرده است.

حدیث اول را ملاحظه فرمودید که حدیث خیلی خوبی بود و جمله ي « **والله ما فيه من قرآن کم حرف واحد** » دلالت داشت که مصحف فاطمه(س) غیر از قرآن موجود است؛ و هیچ کدام از مطالب مربوط به مبدأ و معاد و شریعت و ... در مصحف فاطمه(س) نیست. خود ائمه(ع) نیز بر روي این نکته عنایت داشتند که مخالفین فکر نکنند مصحف فاطمه(س) چیزی در عرض قرآن است. و حضرت در صدد بیان این هستند که بفرمایند مصحف امیرالمؤمنین که آیات قرآن به همراه خصوصیات آیات از جهت تأویل و تفسیر و ناسخ و منسوخ در آن وجود دارد و در اختیار ائمه(ع) هم قرار داده بود هیچ ارتباطي با مصحف فاطمه ندارد. این در صورتي است که «قرآنکم» را به قرآن و مصحف امیرالمؤمنین برگردانیم؛ اما اگر آن را به قرآن موجود در میان مسلمین برگردانیم، منظور امام(ع) این می شود که مطالب و محتوای مصحف فاطمه هیچ ارتباطي به قرآن منزل بر پیامبر ندارد. پس، عبارت « **قال: مصحف فيه قرآن کم هذا ثلاث مرآت** »، «هذا» را می توان به دو صورت ذکر کرد؛ يکي این که آن را منفصل بخوانیم و قبل از «هذا» ویرگول باشد؛ در این صورت معنا می شود که حضرت این جمله « **مصحف فيه قرآنکم** » را سه مرتبه بیان فرمودند. وجه دوم نیز آن است که «هذا» را به ما قبل متصل کنیم؛ در این صورت معنا می شود همین قرآني که در دست شماست؛ و بنابراین، دیگر ظهوري در قرآن امیرالمؤمنین ندارد.

حضرت می خواهند بفرمایند که مصحف فاطمه(س) نیز مثل قرآن از غیب آمده و این طور نیست که علمای زمان بنشینند و آن را بنویسند؛ اما برای این که در ذهن ابوبصیر نیاید که این هم جنبه ي اعجازي دارد، و حضرت فاطمه نیز نبی می شود، بلا

فاصله‌می‌فرماید « و الله ما فيه من قرآن كم حرف واحد »؛ یعنی ماهیت این مصحف با ماهیت قرآن و مصحف پیامبر فرق دارد. آن مصحف پیامبر را به عنوان نبی قرار می‌دهد، اما این مصحف فاطمه را به عنوان نبی قرار نمی‌دهد. آن شخص در کتابش نقل کرد که اگر اینطور است، پس باید فاطمه مقام نبوت داشته باشد؛ الآن ما می‌گوییم حضرت زهرا(س) محدثه بود؛ نه تنها حضرت زهرا محدثه بودند بلکه همه ائمه ما محدث هستند؛ به این معنا که از غیب مطالبی برای آنان بیان می‌شود؛ اما به این معنا نیست که نبوت و مقام نبوت داشته باشند.

روایت دیگر، حدیث پنجم این باب است که مرحوم مجلسی می‌فرماید: این حدیث صحیح است. متن حدیث این است: [« محمد بن یحیی، عن أحمد بن محمد، عن ابن محبوب، عن ابن رثاب، عن أبي عبيدة قال : سأل أبا عبد الله عليه السلام بعض أصحابنا عن الجفر فقال : هو جلد ثور مملوء علما ، قال : له فالجامعة ؟ قال : تلك صحيفة طولها سبعون ذراعاً في عرض الأديم مثل فخذ الفالج، فيها كل ما يحتاج الناس إليه ، وليس من قضية إلا وهي فيها ، حتى أُرش الخدش . قال : فمصحف فاطمة عليها السلام ؟ قال ، فسكت طويلاً ثم قال : إنكم لتبحثون عما تريدون وعما لا تريدون إن فاطمة مكنت بعد رسول الله صلى الله عليه وآله خمسة وسبعين يوماً وكان دخلها حزن شديد على أبيها وكان جبرئيل عليه السلام يأتيها فيحسن عزاءها على أبيها ، ويطيب نفسها ، ويخبرها عن أبيها ومكانه ، ويخبرها بما يكون بعدها في ذريتها ، وكان علي عليه السلام يكتب ذلك ، فهذا مصحف فاطمة عليها السلام. »] [ابی عبیده از امام صادق(ع) راجع به جفر سؤال می‌کند تا می‌رسد به این سؤال که مصحف فاطمه چیست؟ حضرت مدّتی سکوت کردند؛ و این سکوت برای این بوده که سائل را متوجه کند که سؤالش، سؤال مهمی است و باید خوب متوجه باشد تا پاسخ حضرت را بفهمد.

سپس حضرت فرمودند: شما دارید از اموری که به شما مربوط می‌شود و نمی‌شود؛ از چیزهایی که مورد نیازتان هست و نیست، سؤال می‌کنید؛ یعنی دایره سؤال را خیلی وسیع کرده‌اید. بعد حضرت فرموده است: همانا حضرت زهرا(س) بعد از رسول الله(ص) هفتاد و پنج روز زنده بودند و در این مدت حزن شدیدی به خاطر فوت پیامبر(ص) حضرت را فرا گرفت. جبرائیل خدمت حضرت می‌آمد و به ایشان در مورد این مصیبت تسلیت می‌گفتو نفس آن مخدّره را با تعزیت و تسلیتی که می‌داد، آرام می‌کرد؛ و از این که پیامبر الان در کجا قرار دارد، به او خبر می‌داد؛ آن حضرت را تسلی می‌داد به این که اکنون که پیامبر از دنیا رفته است، فرزندان تو از نظر امامت و قرب به خدا و ... دارای این خصوصیات هستند و این که چه حوادثی بر آنها وارد می‌شود؛ حضرت علی(ع) نیز آنها را می‌نوشت. قضایایی که بعداً در امت پیامبر واقع می‌شود را برای آن حضرت بیان می‌کرد؛ و این می‌شود مصحف فاطمه(س). به عنوان مثال، در حدیث هشتم آمده است: [« محمد بن یحیی ، عن أحمد بن محمد ، عن الحسين بن سعيد ، عن القاسم بن محمد ، عن عبد الصمد بن بشير ، عن فضيل [بن] سكرة قال : دخلت على أبي عبد الله عليه السلام فقال : يا فضيل أتدري في أي شيء كنت انظر قبيل ؟ قال : قلت : لا ، قال : كنت أنظر في كتاب فاطمة عليها السلام ليس من ملك الأرض الا وهو مكتوب فيه باسمه واسم أبيه وما وجدت لولد الحسن فيه شيئاً. »] [حضرت به فضیل عرض می‌کند: ای فضیل! می‌دانی چند لحظه قبل در چه موردی فکر می‌کردم؟

عرض کردم: نه؛ حضرت فرمودند: در کتاب فاطمه(س) نگاه می‌کردم؛ هر کسی که می‌خواهد پادشاه روی زمین شود، اسم خودش و اسم پدرش در این مصحف آمده است؛ و برای فرزندان حسن چیزی در آن نیافتم. اولاد حسن، مراد حسن مثنی است یا محمد بن عبدالله بن حسن که از ائمه زیدیه و ملقب به نفس زکیه است. حضرت فرمودند اسم این نفس زکیه در کتاب فاطمه وجود ندارد. شبیه این مطلب، يك روايت ديگر هست؛ زارة می‌گوید: عبدالمك بن اعين به امام صادق(ع) عرض کرد: زیدیه که پیروان محمد بن عبدالله حسن هستند و معتزله محور خودشان را محمد بن عبدالله قرار دادند، فهل له سلطان؟ فقال والله ان عندي لكتابين فيهما تسمية كل نبی و كل ملك يملك الارض نزد من دو کتاب وجود دارد که ممکن است یکی مصحف فاطمه باشد و دیگری جفر باشد؛ - در آن اسم هر پیامبری پادشاهی است، ولی نام محمد بن عبدالله بن حسن در هیچ يك از این دو کتاب نیست.

نکته‌ای که وجود دارد این است که ما بابی داریم در کتاب کافی تحت عنوان **إِنَّ الْأُئِمَّةَ (ع) محدثون** ؛ حدیث اول این باب که مرحوم مجلسی در مورد آن نوشته حدیث ضعیفی است؛ اما در کتاب **الصحيح من الكافي** آن را جزء احادیث صحیحه آورده است. « **محمد بن یحیی، عن احمد بن محمد، عن حمال، عن القاسم بن محمد عن عبید بن زرارة قال أرسل أبوجعفر عليه السلام إلى زرارة ان يعلم الحكم بن عتيبة ان أوصياء محمد عليه وعليهم السلام محدثون** ». حکم به عتبه ظاهراً استاد زراره بوده است؛ حال امام باقر(ع) می‌فرماید: اوصیای پیامبر محدث هستند. این نکته را امام باقر(ع) در رد حکم بن عتبه که ظاهراً از افراد زیدیه بوده، و بعضی‌ها همگفته‌اند از فقهای عامه هم بوده است، عرض کرده‌اند. حال، حضرت به زراره که شاگرد حکم به عتبه بوده، فرمودند: برو به او بگو شما که پیروان محمد بن عبدالله بن حسن هستید و او را وصی پیامبر می‌دانید، وصی پیامبر باید محدث باشد؛ آیا این شخص محدث است؟ زید و امثال زید اهلیت امامت را ندارند چون محدث نیستند. ان شاء الله محدث را معنا می‌کنیم.